

اشاره:

الگوی اقتصاد بدون نفت، عمده‌ترین طرح ایران برای سال‌های آینده است. تمامی تلاش فعالان اقتصادی (اعم از بخش‌های دولتی، خصوصی و تعاونی) به‌ویژه در بیست‌وپنج سال آینده، حول این برنامه شکل می‌گیرد. باتوجه به محدودیت منابع نفت و گاز، اقتصاد ایران خواه‌ناخواه می‌بایست وابستگی به این منبع ثروت ملی را ترک کند و از طریق سرمایه‌گذاری در طرح‌های سودآور، امکان دستیابی به درآمد ارزی را در بلندمدت فراهم سازد.

باعنایت به این امر که ایران در منطقه نیمه‌خشکی قرار دارد و منابع آب آن نیز محدود می‌باشد، بخش کشاورزی قادر نیست در آینده منبع مطمینی برای کسب درآمد تلقی گردد، به‌ویژه آن‌که رشد جمعیت خود عاملی در جهت افزایش تقاضا برای محصولات غذایی است.

وجود منابع زیرزمینی غنی (کانی‌های فلزی و غیرفلزی) و نیروی کار مناسب، امکان توسعه بخش صنعت با ارزش‌افزوده مناسب وجود دارد. از سوی دیگر بهای محصولات صنعتی در مقایسه با مواد غذایی و کشاورزی از ثبات بیشتری در بازارهای جهانی برخوردار است.

بااین وصف، بخش صنعت می‌تواند محور فعالیت اقتصادی تلقی گردد. در این مقاله، به بررسی وضعیت صنعت در ایران و سهم آن در تجارت خارجی می‌پردازیم.

اقتصاد کشور به درآمد ارزی حاصل از صادرات نفت را ممکن سازد. بررسی این موضوع که امکان تولید چه کالاهایی، برای کدام بازارها در کشور فراهم می‌باشد و از کدامین پروژه‌های صنعتی باتوجه به استعدادها و توانمندی‌های داخلی می‌توان بیشترین بازده را به‌دست آورد، از مهم‌ترین پرسش‌هایی است که برنامه‌ریزان توسعه صنعت باید بدان پاسخ دهند.

○ با وجود زیر ساخت‌های مناسب، رشد سرمایه‌گذاری در بخش صنعت، ارتقاء کمی و کیفی تولیدات صنعتی، حضور در بازارهای منطقه‌ای و بین‌المللی و ... می‌تواند کاهش وابستگی به ارز حاصل از صادرات نفت را ممکن سازد.

در دوران سازندگی، نظر به این‌که سرمایه‌گذاری در بخش صنعت در مرحله بسیار ضعیفی قرار داشت مسؤولان و

# توسعه صنعت با دید صادرات، ضرورت اقتصاد ملی است

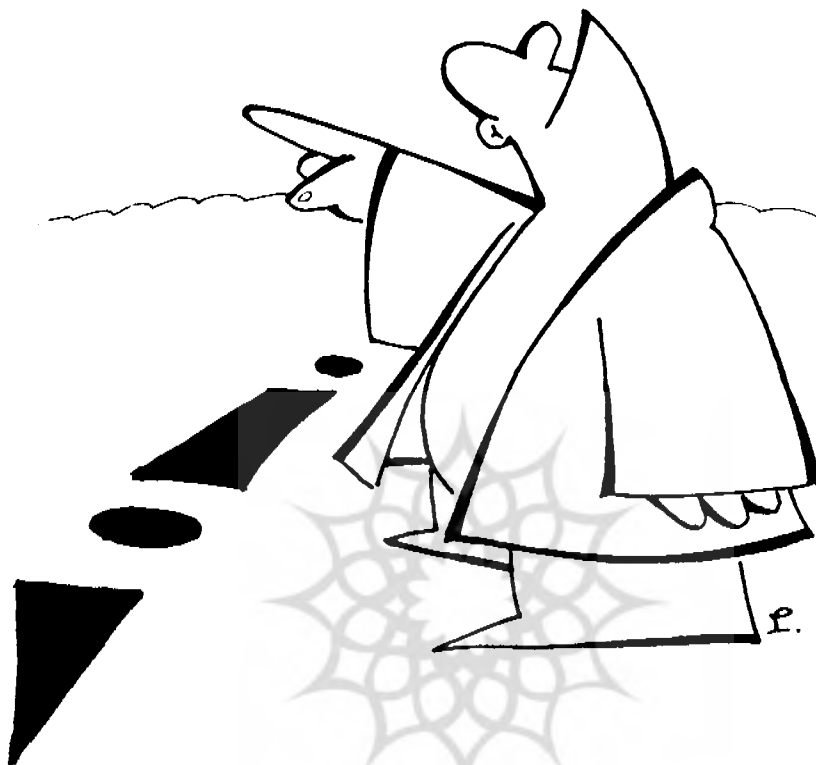
## توسعه صنعت، ضرورت اقتصاد ملی است.

وجود منابع زیرزمینی عظیم و متنوع که دسترسی به مواد اولیه موردنیاز بخش صنعت را امکان‌پذیر می‌سازد، یک مزیت اقتصادی برای گسترش بخش صنعت تلقی می‌گردد.

از سوی دیگر جوانی جمعیت ایران در کنار تربیت نیروهای متخصص، امکان استفاده از نیروی انسانی مجرب در بخش صنعت، فراهم ساخته است. با این شرایط جذب سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی برای به‌کارگیری استعدادهای موجود در بخش صنعت اهمیت بسزایی دارد.

نیروهای متخصص ایرانی در سال‌های اخیر با اجرای پروژه‌های صنعتی بسیار، تخصص‌های لازم را کسب کرده‌اند و این در حالی است که در زمینه انتقال دانش فنی به کشور نیز موانع زیادی وجود ندارد.

با وجود زیر ساخت‌های مناسب، توسعه سرمایه‌گذاری در بخش صنعت، ارتقاء کمی و کیفی تولیدات صنعتی، حضور در بازارهای منطقه‌ای و بین‌المللی و ... می‌تواند کاهش وابستگی



○ بررسی این امر که چه کالاهایی برای کدام بازارها باید تولید شود و کدامیک از پروژه‌های صنعتی بیشترین بازده اقتصادی را خواهد داشت، از پرسش‌های مهمی است که برنامه‌ریزان صنعت باید به آن پاسخ دهند.

ارتقاء سهم صنعت در تولید ناخالص داخلی و سهم صادرات صنعتی در مجموعه صادرات غیرنفتی، بهره‌برداری مطلوب و اقتصادی از ظرفیت‌های موجود و برنامه‌ریزی برای ایجاد ظرفیت‌های تازه را طلب می‌کند. در کنار آن بهسازی خطوط تولید و کاهش موانع اقتصادی و انگیزشی سرمایه‌گذاری صنعتی و اتمام هرچه سریع‌تر طرح‌های نیمه‌تمام از اقدامات ضروری است.

برنامه‌ریزان، راه را برای سرمایه‌گذاری پروژه‌های موردعلاقه سرمایه‌گذاران باز گذارند.

فضای باز سرمایه‌گذاری سبب شد که سرمایه‌گذاران در بخش‌های مختلف سرمایه‌گذاری کنند، لیکن نبود نظارت کافی بر طرح‌های سرمایه‌گذاری موجب شد که در برخی زمینه‌ها، سرمایه‌گذاری موردنیاز جذب نشود و در پاره‌ای دیگر از بخش‌ها ظرفیت‌های زیادی (بیش از تقاضای داخلی) به‌وجود آید.

نتیجه چنین روندی آن شده است که هم‌اکنون برای واردات برخی کالاهایی که امکان و توان تولید آن در داخل وجود دارد، ارزش صرف شود و در مقابل بخشی از تولیدات صنعتی بدون مشتری بماند.

آنچه مسلم است، تدوین یک برنامه جامع برای توسعه صنعت در کشور با توجه به پتانسیل‌های اقتصاد ملی و نیز با هدف رونق صادرات محصولات صنعتی ضروری است.

مجموعه توانمندی‌های موجود صنعت کشور نیاز به بازنگری اساسی دارد تا کاستی‌ها به درستی ارزیابی شود.

### ○ فضای باز سرمایه‌گذاری در بخش صنعت در سال‌های اخیر سبب شده است که در بخشی از تولیدات هم‌چنان کمبود ظرفیت وجود داشته باشد و در بخش دیگر ظرفیت اضافی به وجود آید.

چنانچه دولت بخواهد هدایت کلان اقتصاد کشور را در دست خود بگیرد و از تمامی سرمایه‌گذاران داخلی برای جذب سرمایه‌گذاری مولد حمایت نماید، لازم است ارزیابی دقیقی از امکانات و شرایط موجود و نیز نیازهای آتی داشته باشد.

برای هدایت جریان سرمایه‌گذاری‌های صنعتی در پروژه‌های مولد از حیث بازار داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی، ضرورت دارد دولت با بررسی دقیق از شرایط موجود بازار داخلی و توان رقابت در بازارهای خارجی، حمایت‌ها و تشویق‌ها را به سویی هدایت کند که در واقع سرمایه‌گذاری‌های صنعتی، نوعی سرمایه‌گذاری صادراتی باشد. در مقابل، بخش‌هایی را که فاقد ارزیابی دقیق اقتصادی است از امتیازها و تشویق‌ها محروم نماید.

امتیازها و تشویق‌ها، تنها عاملی است که دولت می‌تواند در آینده بر روند جریان سرمایه‌گذاری‌های صنعتی، بدون دخالت مستقیم، نظارت کند.

چنانچه مزیت نسبی در صدور محصولات صنعتی لحاظ گردد، حرکت به سوی اقتصاد بدون نفت در مسیر صحیح به پیش خواهد رفت و سهم تولید بخش صنعت در مجموعه فعالیت‌های اقتصادی در حد قابل قبول، افزایش خواهد یافت.

توسعه صنعت با هدایت و نه دخالت دولت، در کنار تنظیم قوانین و مقرراتی که ضمن تقویت قدرت رقابت تولیدات در بازارهای داخلی و خارجی، دسترسی به بازارها را در بلندمدت میسر سازد، برای اقتصاد ایران امری ضروری است و باید سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان به آن توجه کافی مبذول نمایند.

توسعه صادرات صنعتی تنها از طریق لحاظ نمودن مزیت‌های نسبی در برنامه‌ریزی و هدایت طرح‌های سرمایه‌گذاری آینده، با نگاه به اوضاع اقتصاد جهانی، میسر می‌شود و حرکت‌های بدون برنامه‌ریزی دقیق و اهداف روشن، نمی‌تواند نتایج مثبتی به همراه آورد.

گزارش‌های منتشر شده از سوی منابع دولتی نشان می‌دهد که با ایجاد فضای به نسبت مناسب برای سرمایه‌گذاری در سال‌های اخیر، رشد سریع تولیدات و صادرات صنعتی تا حدودی بوجود آمده است.

حرکت جدی در اقتصاد ایران برای صدور محصولات صنعتی از سال ۱۳۶۸ شروع شد و با اتخاذ سیاست‌های کوناگون، ارزش صادرات تولیدات واحدهای تحت پوشش وزارت صنایع از ۷۶ میلیون دلار در سال ۶۸ به بیش از یک میلیارد دلار در سال گذشته رسید که میانگین رشد سالانه حدود ۴۰ درصد را نشان می‌دهد.

ارزش صادرات محصولات صنعتی (به استثنای مواد پتروشیمی و تولیدات معدنی و فلزی) در سال گذشته با ۶۰ درصد رشد نسبت به سال ۷۴ به ۱/۲ میلیارد دلار بالغ شد.

با وجود آن‌که ارقام منتشره گواه بر رشد سریع صادرات محصولات صنعتی است، لیکن چنانچه ارزش سرانه صادرات کالاهای صنعتی در سال گذشته محاسبه شود به رقمی در حدود ۲۰ دلار می‌رسیم. در واقع این رقم در قیاس با واردات سرانه که ۲۵۰ دلار می‌باشد بسیار ناچیز است.

### ○ ارتقاء سهم صنعت در تولید ناخالص داخلی و سهم صادرات محصولات صنعتی در مجموعه صادرات غیرنفتی، بهره‌برداری مطلوب و اقتصادی از ظرفیت‌های موجود و برنامه‌ریزی دقیق برای ایجاد ظرفیت‌های تازه را طلب می‌کند.

این مقایسه ساده نشان می‌دهد که هر ایرانی سالانه حدود ۲۳۰ دلار بدهی برای اقتصاد کشور بوجود می‌آورد. باید به این واقعیت اذعان داشت که صادرات محصولات کشاورزی و نیز نفت، صادراتی قابل اعتماد در بلندمدت نمی‌باشد. زیرا با رشد جمعیت و کاهش ذخایر نفت نمی‌توان به این منابع از نظر کسب درآمد ارزی همواره متکی بود.

قدر مسلم آن است که تحولی عظیم در برنامه‌ریزی و هدایت تولید و صادرات صنعتی ضرورت دارد تا بتوان در بلندمدت اقتصادی قابل اعتماد را به وجود آورد و هدایت نمود.

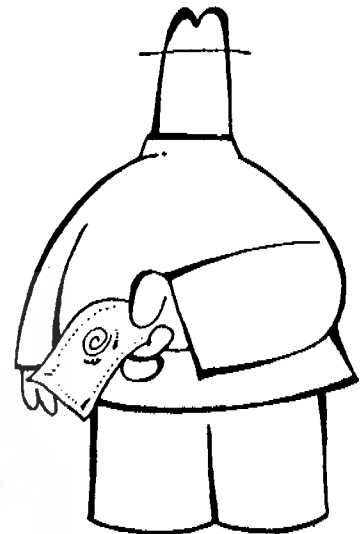
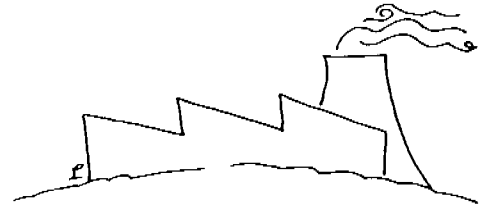
گزارش عملکرد وزارت صنایع نیز به این واقعیت اشاره دارد. در این گزارش آمده است که در کشورهای صنعتی سهم

برای دست‌اندرکاران این بخش، قوانین و مقررات دست‌وپاگیر و بی‌ثبات، بی‌اعتمادی نسبت به آینده سرمایه‌گذاری، نبود تشویق‌های واقعی در زمینه حمایت تولید و صادرات محصولات صنعتی و ... است.

چنانچه این شرایط در یک دوره میان‌مدت هم‌چنان برقرار باشد نمی‌توان امید به رونق سرمایه‌گذاری از سوی بخش غیردولتی داشت.

○ برای آن‌که سرمایه‌گذاری‌های صنعتی به نوعی سرمایه‌گذاری صادراتی تبدیل شود، ایجاد انگیزه‌ها و حمایت‌های لازم، ضروری است.

از آن‌جا که منابع دولت برای تأمین طرح‌های سرمایه‌گذاری در آینده با وجود ضرورت بازپرداخت تعهدات خارجی، محدودیت برداشت از ذخایر نفتی و رشد فزاینده هزینه‌های اجتماعی، محدود می‌باشد، خواه‌وناخواه دولت می‌بایست فضای مساعد را برای مشارکت بخش خصوصی و مردم در سرمایه‌گذاری‌های صنعتی فراهم سازد.



سرمایه‌گذاری صنعتی به تولید ناخالص داخلی ۲۵ تا ۳۰ درصد، سهم ارزش‌افزوده بخش صنعت حدود ۳۰ درصد و سهم صادرات محصولات صنعتی به مجموعه صادرات این گروه کشورها بیش از ۸۰ درصد می‌باشد. اما در ایران سهم سرمایه‌گذاری بخش صنعت در تولید ناخالص داخلی ۱۶ درصد، ارزش‌افزوده این بخش ۱۷ درصد و ارزش صادرات کالاهای صنعتی به کل صادرات غیرنفتی کم‌تر از ۱۰ درصد می‌باشد.

تفاوت چشم‌گیر میان شاخص‌های مورد بحث با کشورهای صنعتی با توجه به عقب‌ماندگی اقتصاد کشور، ضرورت برنامه‌ریزی صحیح و هدایت اصولی سرمایه‌گذاری‌های صنعتی را محرز می‌نماید.

آنچه مسلم است، جذب سرمایه‌گذاری در بخش صنعت، مستلزم آن می‌باشد که بازده سرمایه‌گذاری در این بخش از مجموع فعالیت‌های اقتصادی بالاتر باشد تا رونق سرمایه‌گذاری میسر گردد.

آنچه اکنون در اقتصاد ایران مشاهده می‌شود، بازده ناچیز سرمایه‌گذاری‌های صنعتی، تشریفات اداری عریض و طویل

